

# تلخیص نموداری نظرات نهایی شیخ اعظم (ره) در کتاب رسائل

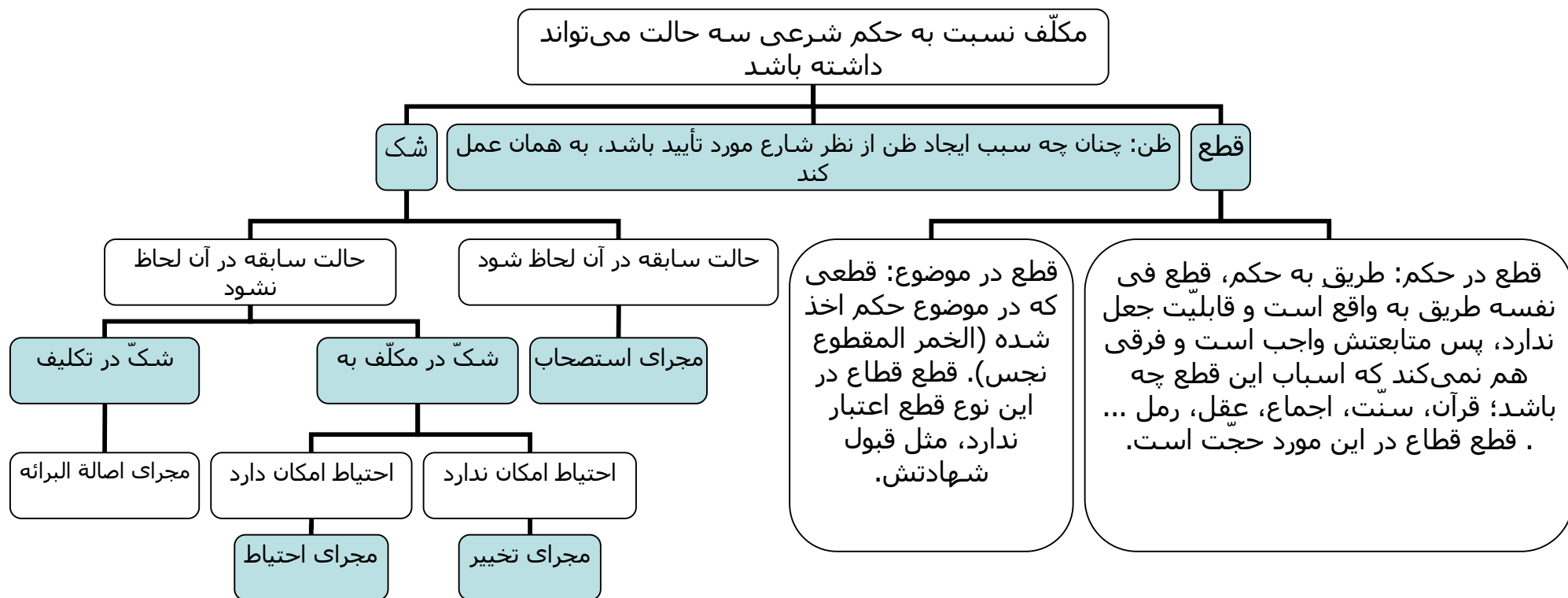
احمد رضا جهان‌دیده-ایوب مباشری

## بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه

بی شک کتاب رسایل از کتابهای پر محتوا عمیق و دقیق در علم اصول فقه می باشد که جایگاه خود را هنوز در بین دروس حوزوی حفظ نموده است؛ ارزش علمی موشکافی ها و بررسی های همه جانبه ی شیخ اعظم ، شیخ مرتضی انصاری (ره)، بر کسی پوشیده نیست، البته تاکنون شرح ها و بعضا تلخیص هایی (مثل تلخیص آقای مسلم قلی پور گیلانی در سه جلد) نوشته شده است اما گستردگی، پیچیدگی و طولانی بودن برخی مباحث باعث می شود که رشته کلام از دست محصل خارج شده و بعضا محل نزاع و جایگاه بحث یا نتیجه یک قسمت فراموش شود و تدریس نیز برای استاد دشوار گردد . برای حل این مشکل به نظر رسید که چکیده نموداری مباحث و ارایه چارچوب مطالب ، برای تدریس و تدرّس بسیار مفید و کارگشا باشد.

برای این منظور ،چکیده نموداری مباحث ،نتایج نهایی ، تنبیهات و اهم نکات به شکل حاضر برای طالبین جمع آوری شد.



مقصد اول: قطع  
مقصد دوم: ظن  
مقصد سوم: شک

### تجری

تجری کاشف از خبث فاعل و شقاوتش است، زیرا عزم بر عصیان و تمرد مولی کرده و از این جهت استحقاق ذم دارد، نه این که این کار مبعوض مولی باشد و آن کار حرام شرعی باشد و عقاب داشته باشد.

### علم اجمالی

- علم تفصیلی بر علم اجمالی مقدم است.
- بحث ما در علم اجمالی در حالتی است که قطع طریقی باشد.
- اگر از علم اجمالی، یک علم تفصیلی به یک حکم شرعی تولّد یافت، تبعیت از آن علم تفصیلی واجب است.

## **دلیل اجتهادی**

دلایلی که بر یک حکم واقعی دلالت می‌کند را «دلیل اجتهادی» یا «دلیل» گویند.

## **دلیل فقه‌ای (اصل)**

دلایلی که بر یک حکم ظاهری دلالت می‌کند و شارع آن را تعبداً برای خروج جاهل از حیرت تشخیص حکم واقعی، حجت قرار داده است. موضوع اصلی شک است و با آمدن دلیل، موضوع اصول مرتفع می‌گردد، پس ادله بر اصول مقدمند و حکم ظاهری از حکم واقعی متأخر است.

اماره حاکم بر اصل است، زیرا دلیل یک اماره، آن اماره را شرعاً نازل منزله واقع می‌سازد.

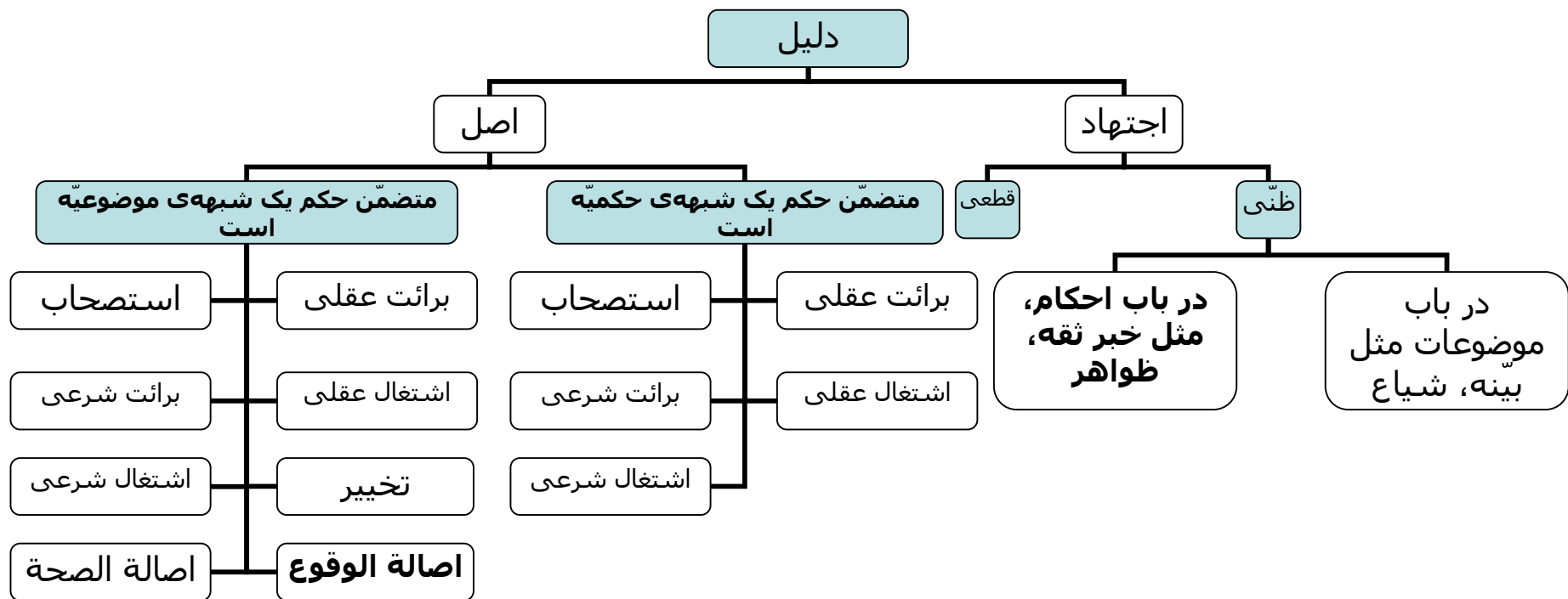
رابطه‌ی دلیل اجتهادی قطعی با اصل عملی ورود است.

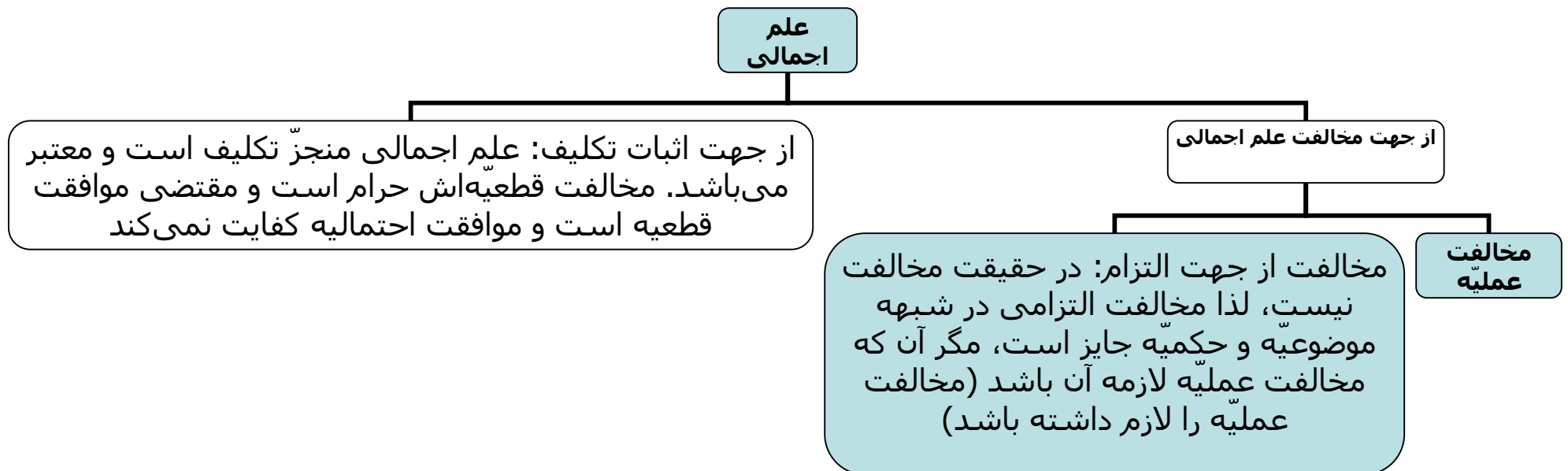
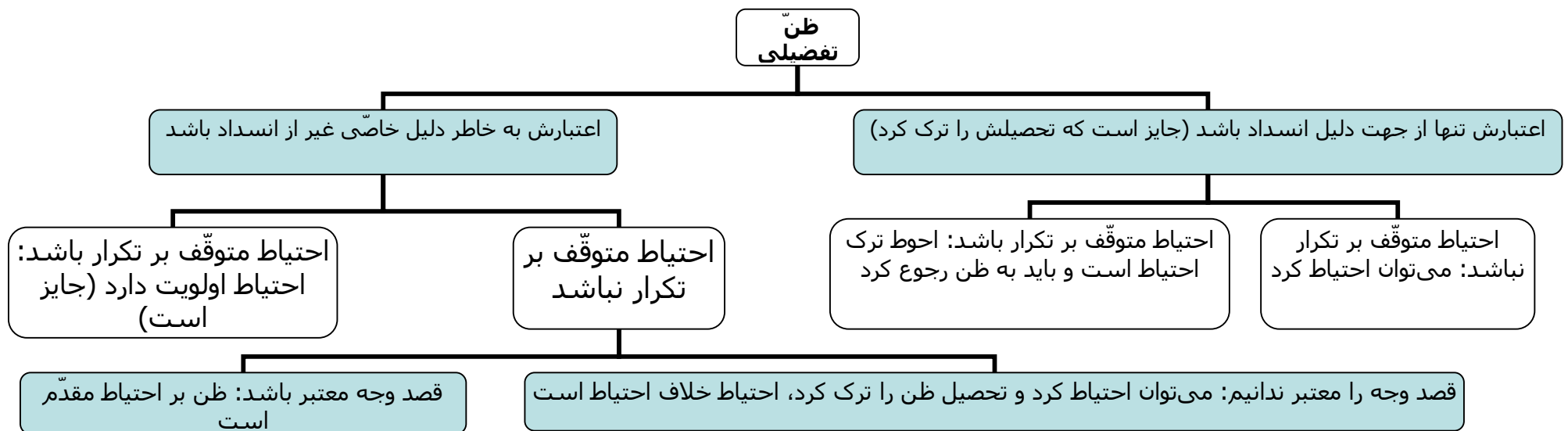
رابطه‌ی دلیل اجتهادی ظنی با اصل عملی عقلی ورود است.

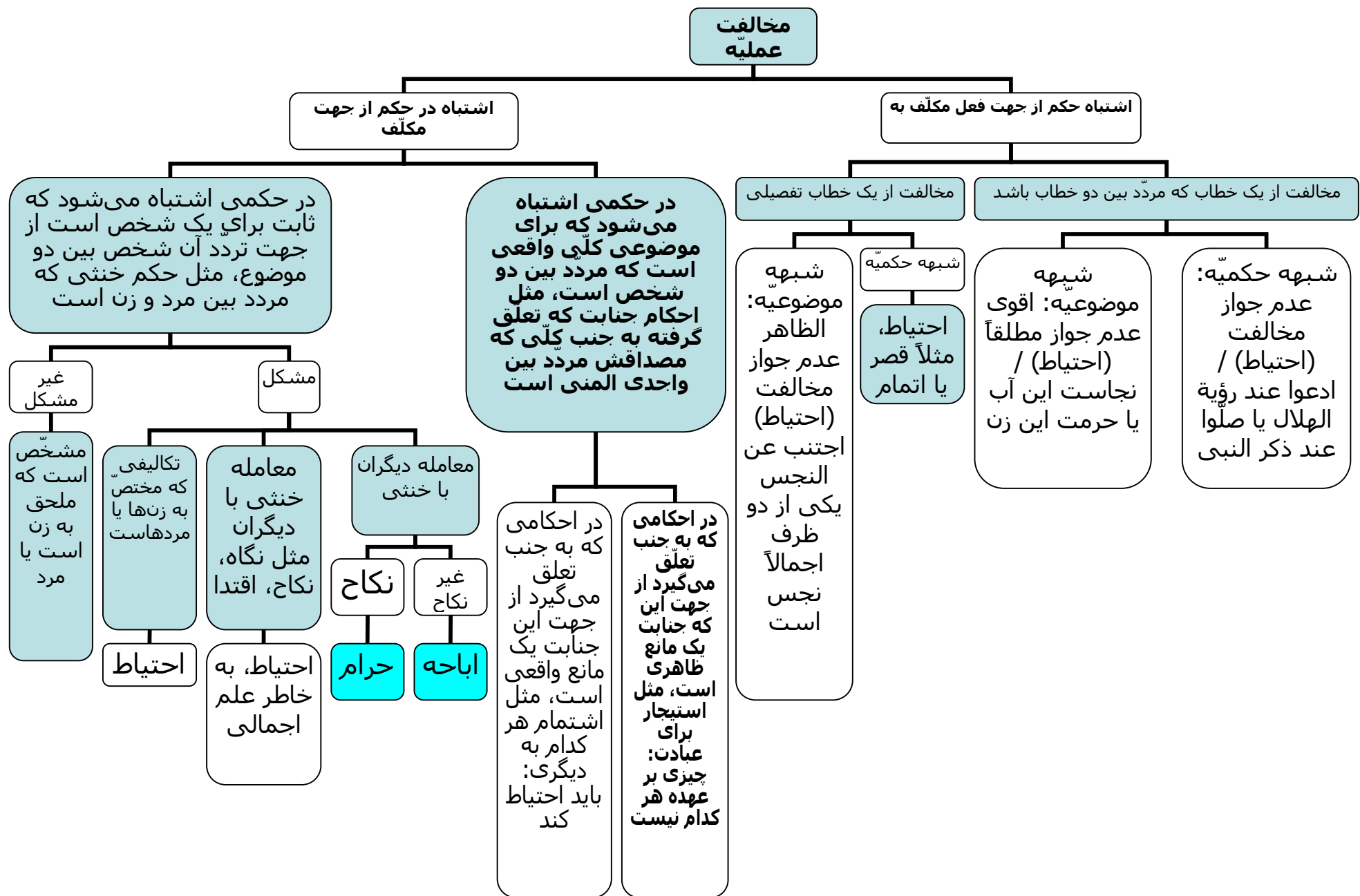
رابطه‌ی دلیل اجتهادی ظنی با اصل عملی شرعی، حکومت است.

موضوع استصحاب و براءت شرعی و اشتغال شرعی، عدم علم است. پس دلیل اعتبار اماره، مخصص ادله اصول شرعی می‌باشد.

دلیل اعتبار اماره وارد بر دلیل اصول عقلیه و رافع موضع اصول عقلیه است.







## المقصد الثانی فی الظن

تعبد به ظن عقلاً امکان وقوعی دارد، زیرا مستلزم محال نیست و تالی فاسدی ندارد و چنین تعبدی هم به طور فی الجملة از ناحیه شارع واقع شده است.

تعبد به امارات (غیر علمی) چگونه می تواند امکان داشته باشد؟

یا به خاطر مسببیت است (مذهب تصویب) عمل به اماره مصلحت ساز است

یا به خاطر طریقت است (مذهب تخطئه) تعبد شارع تنها ارشاد و راهنمایی است

اصل حرمت عمل به ظن است (از آن جهت که آن عمل تشریع است، یعنی تعبد به ظن تشریع است). از آن جا که معتقد به انفتاح پاب علم و علمی (ظنون خاص) هستیم، پس تنها ظنون خاص حجیت دارند. ظنون خاص، ظنونی هستند که دلیل خاصی بر حجیت آنها وجود داشته باشد.

عمل به  
ظن

مصادف احتیاط نباشد

مصادف احتیاط باشد

بر وجه تعبد و تدین به آن  
نباشد

بر وجه تعبد و تعیین به آن  
باشد

عمل به آن حسن  
است

مستلزم طرح اصل یا دلیلی در مقابلش  
نباشد

جایز است

مستلزم طرح یک اصل لفظی یا عملی  
نباشد

حرام  
است

مستلزم طرح اصل یا دلیلی در مقابلش  
باشد

حرام است

مستلزم طرح یک اصل لفظی یا عملی  
باشد

حرام  
است

## ظنون خاص (امارات)

اماراتی که جهت تشخیص و استنباط احکام از الفاظ کتاب و سنت به کار می‌رود

اجماع منقول: حجت نیست، مگر این که الفاظی را که برای اجماع منقول استفاده می‌کنند به گونه‌ای باشد که بر تحقق اتفاق معتبر دلالت کنند، یعنی دلالت کنند که امام معصوم با این اجماع موافق است یا این که دلیل معتبری پشتوانه‌ی این اجماع بوده است.

متواتر  
منقول: اگر تواتر را هم نقل کند، حجت نخواهد بود

شهرت  
(شهرت در فتوای اکثر فقهای معروف در همه زمانها): حجت نیست

خبر واحد: خبر واحد فی الجملة حجت است. تنها خبر واحدی حجت دارد که آن خبر موجب وثوق و اطمینان به مؤدایش گردد (خبر صحیح در اصطلاح قدا یعنی احتمال مخالفت آن خبر با واقع به گونه‌ای است که عقلا به آن اعتنا نمی‌کنند). عمده دلیل اجماع بر این است که اخبار موجود در کتب اربعه فی الجملة واجب العمل هستند

اماراتی که مراد جدی متکلم را مشخص می‌کنند

اصالة الحقيقة

اصل عدم قرینه است. هنگام احتمال اراده مجاز، اسد ظهور در حیوان مفترس دارد

اصالة العموم و الاطلاق

اصل عدم قرینه است

اصالة الظهور: ظواهر کتاب حجت هستند

اصالة عدم النقل

اصالة عدم الاشتراك

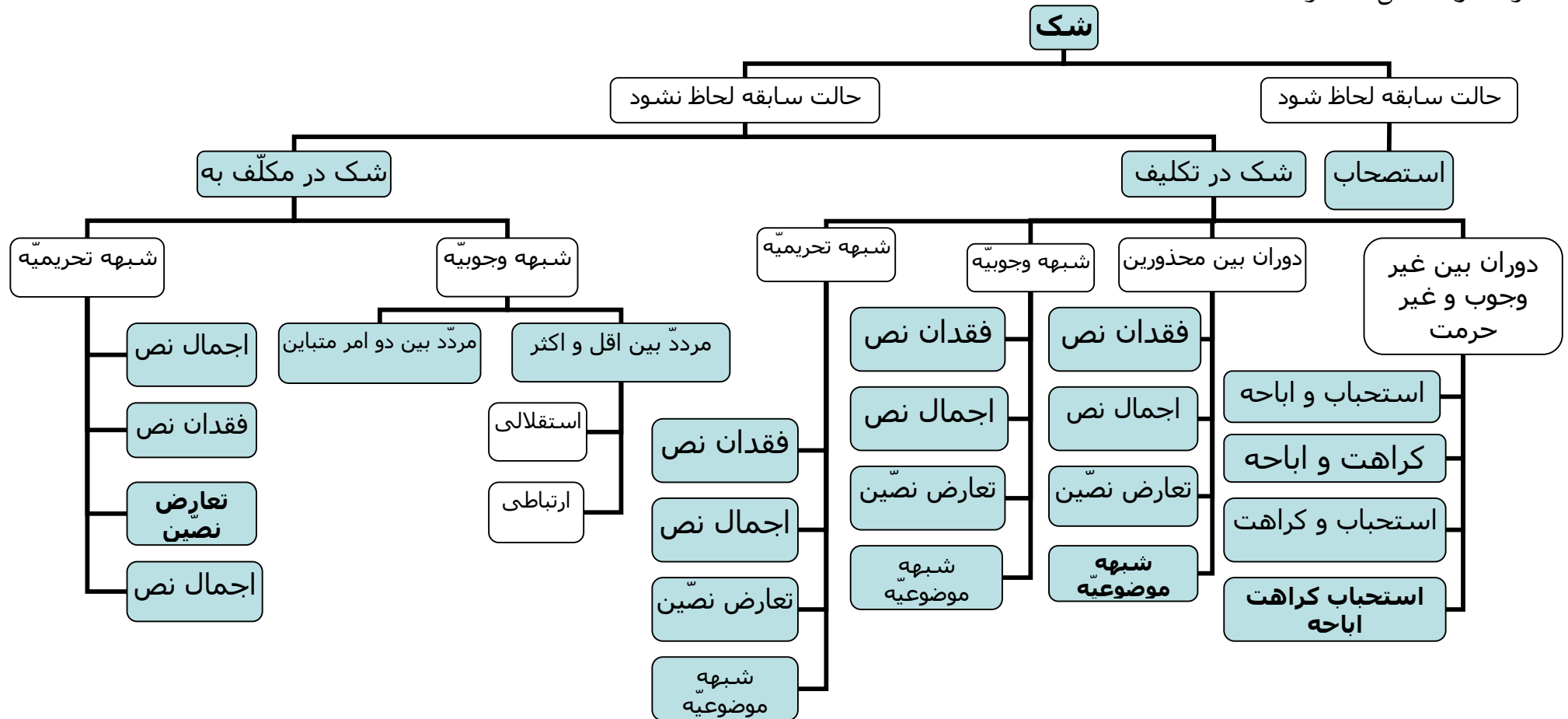
امارات مشخص کننده موضوع له الفاظ

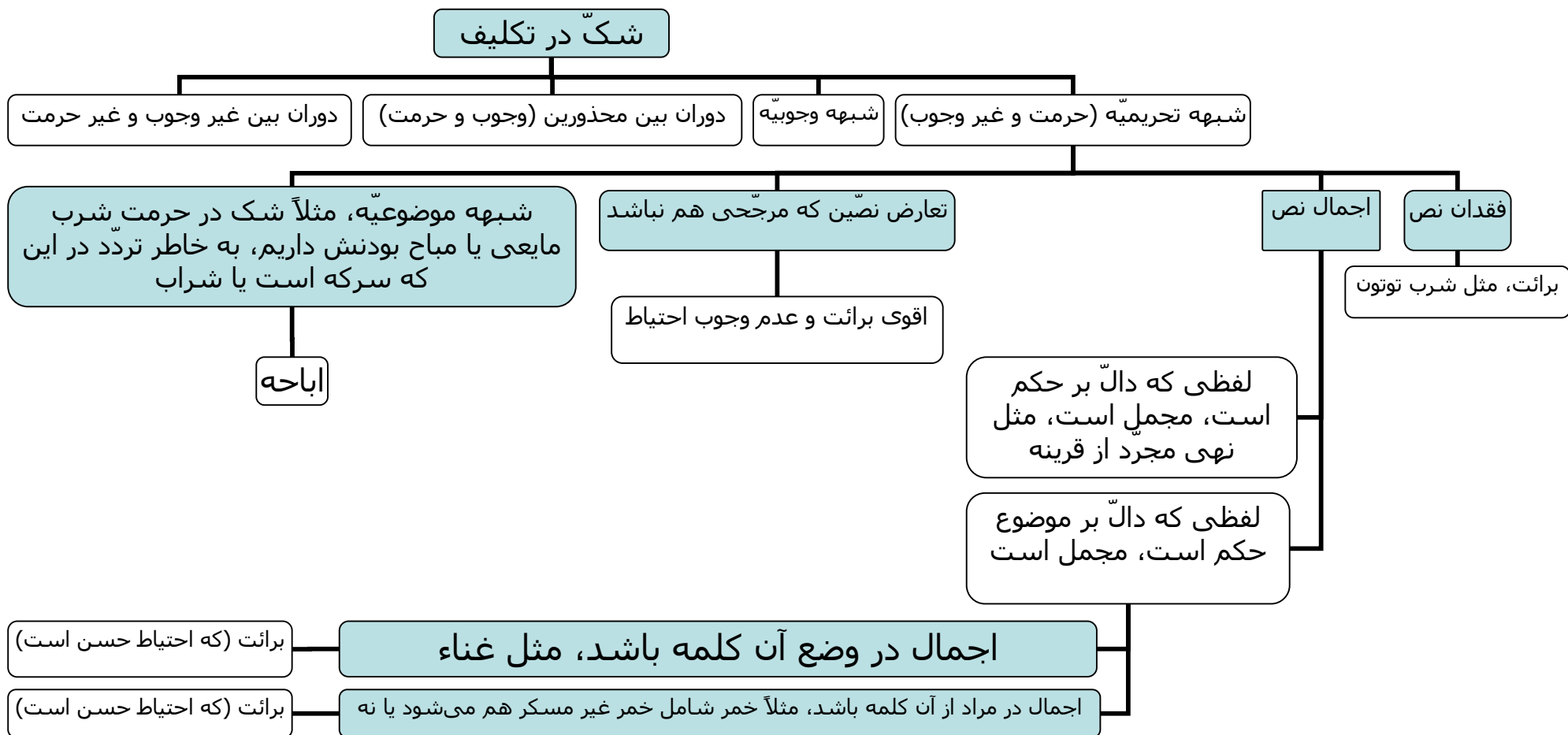
قول لغوی: مهم‌ترین اماره در تشخیصی اصل ظهور، قول لغوی است. قول لغوی از باب شهادت و بینه یا در صورتی که از مسلمات لغت باشد، حجت است

## شک

شک در این بحث اعمّ از شکّ اصطلاحی (تساوی احتمال طرفین) و ظنّ غیر معتبر می‌باشد، لذا چیزی جز تردید یا جهل بسیط نیست و هیچ گونه کشفی در آن وجود ندارد و عاقلانه نیست که مثلاً از سوی شارع، معتبر دانسته شود. استحساب، اصلی است که تنها دلیل شرعی بر آن قائم است. موضوع براءت عقلی، عدم بیان است. موضوع اشتغال عقلی، احتمال عقاب است. موضوع تخییر، عدم ترجیح یکی از طرفین است.

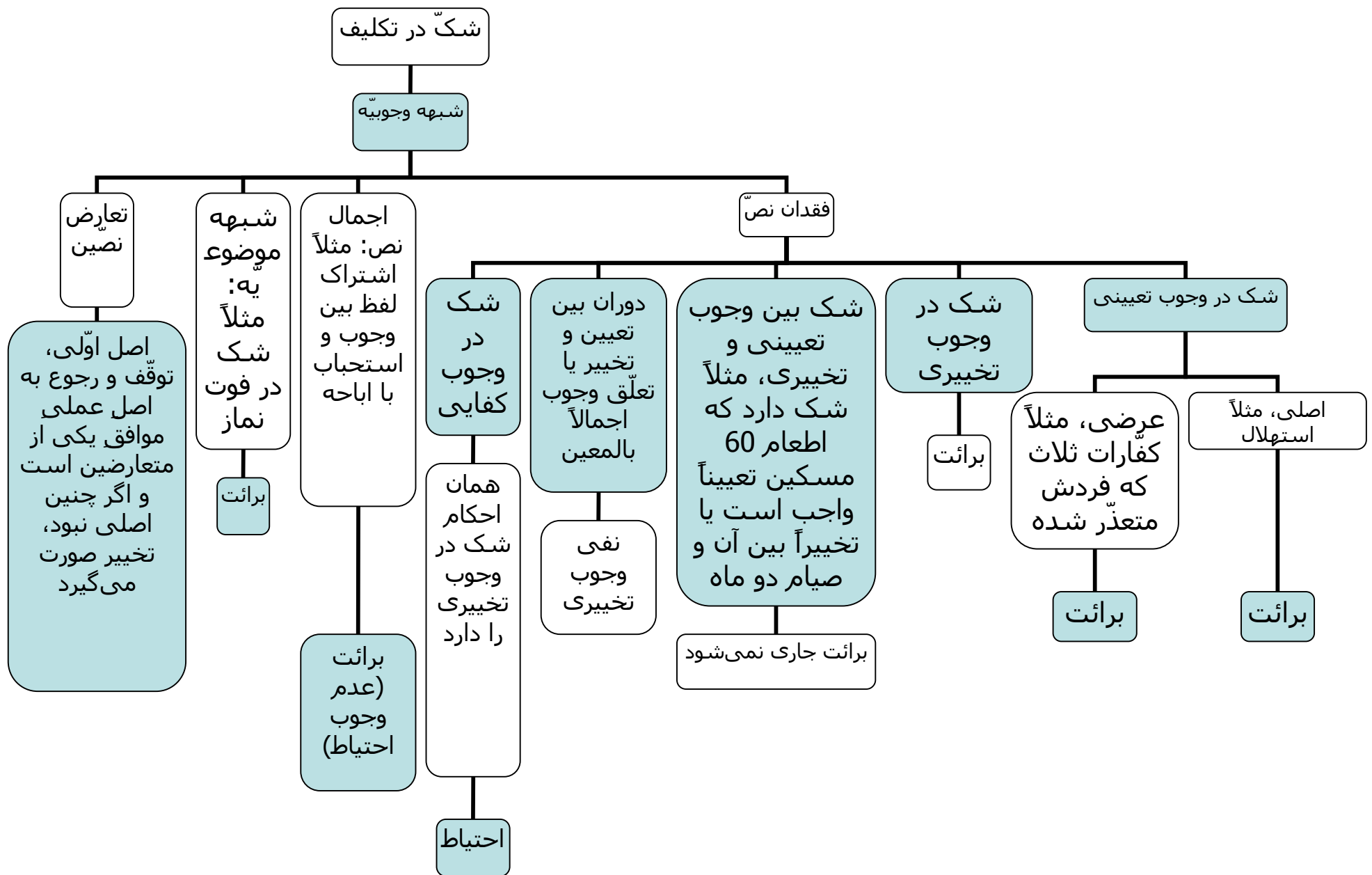
المقام الاول: في الاصول الثلاثة (برائت، اشتغال، تخير)  
 نمودار کلی اصول سه گانه:

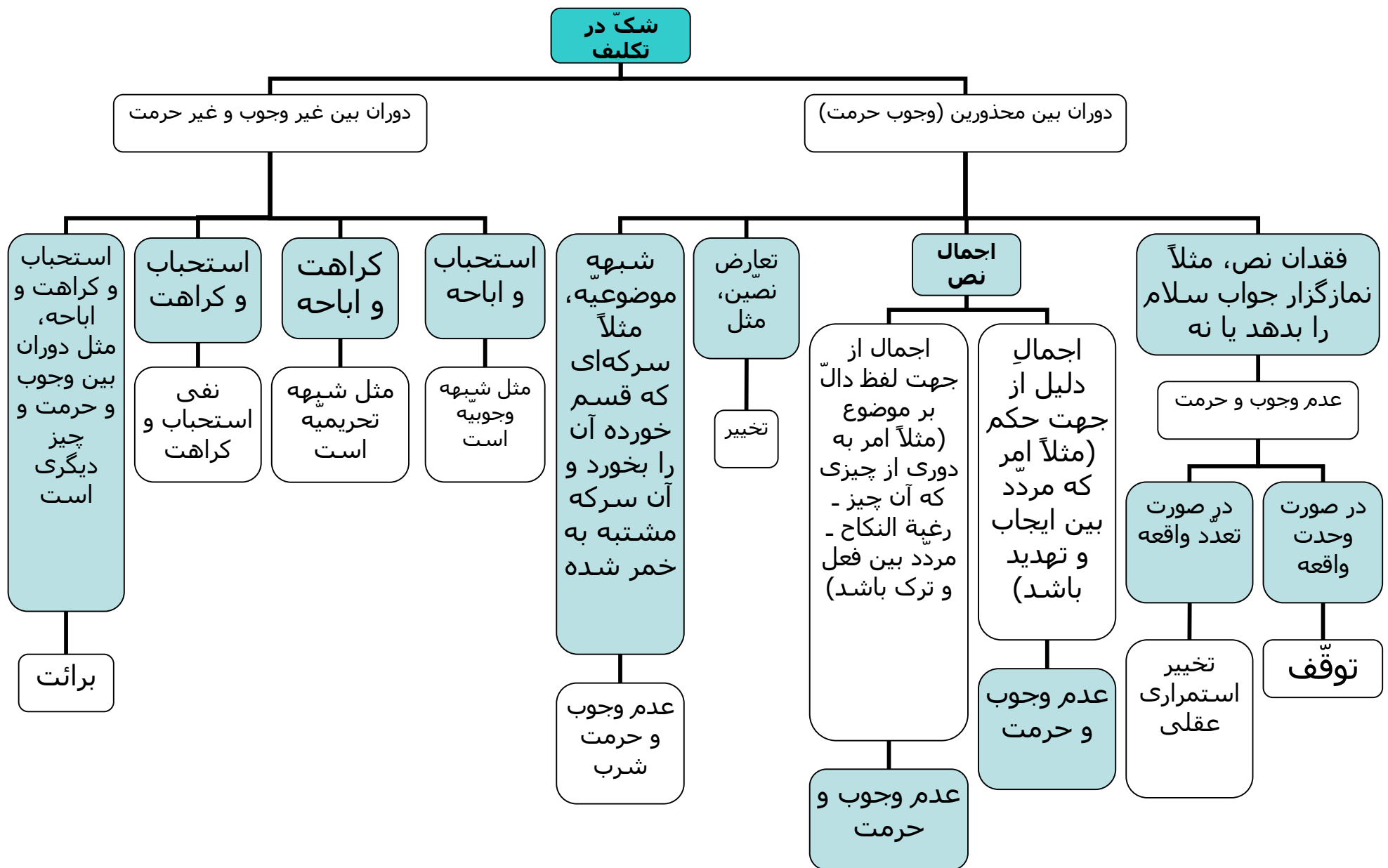


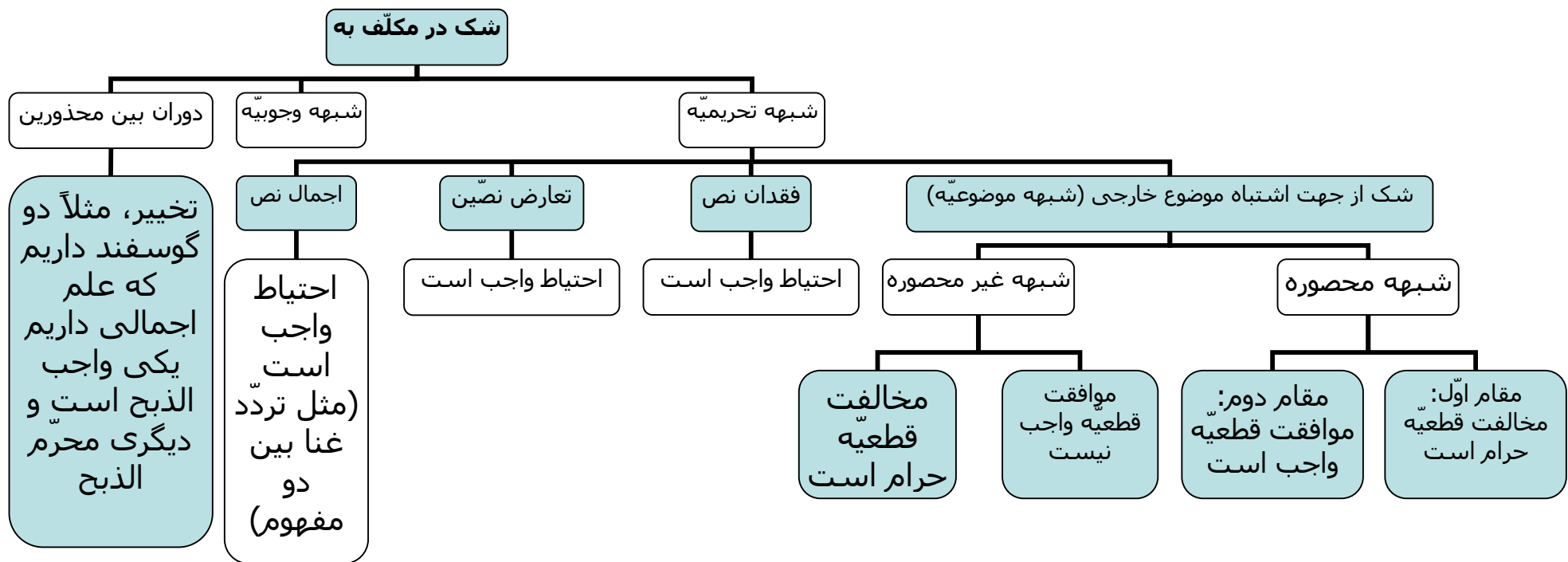


#### چند تنبیه

- محلّ کلام در شبهه موضوعیه که محکوم به اباحه شده، در صورتی است که یک اصل سببی موضوعی یا حکمی که مقتضای حرمت باشد، وجود نداشته باشد.
- احتیاط در همه‌ی موارد حسن است، امّا در صورتی که موجب اختلال در نظام شود، حسنی ندارد.
- در شبهه موضوعیه، برائت جاری می‌شود، چه در مورد جاهل قاصر و چه در مورد جاهل مقصر (قادر بر تحصیل علم بوده).







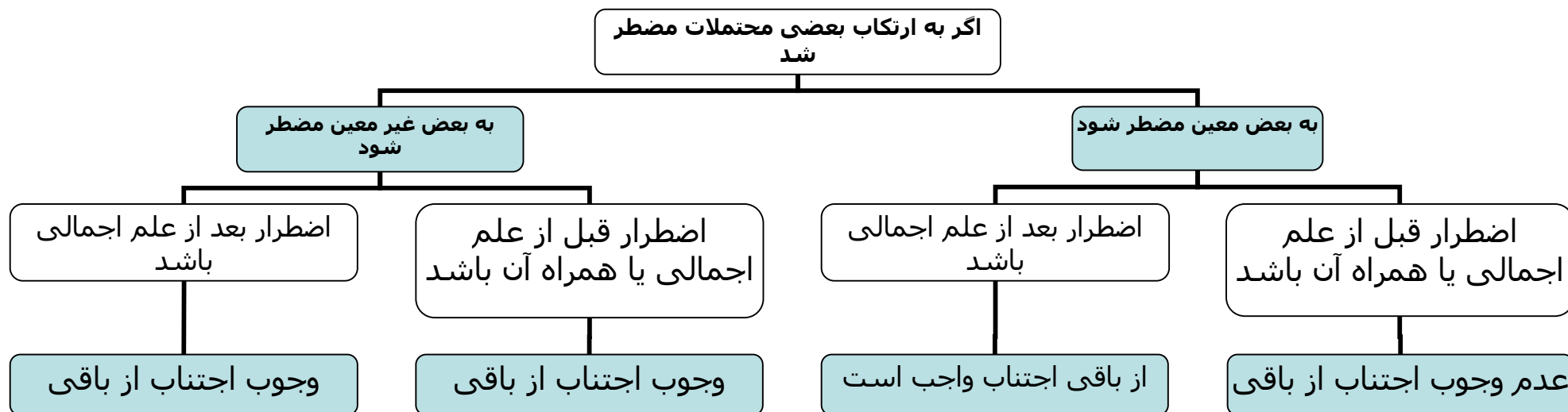
### تنبيهات شبهه محصوره

اول - وجوب اجتناب از هر دو طرف مشتبهه، وجوب ارشادی است، یعنی اگر هر دو طرف را مرتکب شد، تنها مستحقّ یک عقاب است.

دوم - وجوب اجتناب از دو طرف مشتبهه، در صورت تنجّز تکلیف به حرام واقعی است.

سوم - در مورد ارتکاب هر یک از مشتبهین، تنها حکم طلب (وجوب اجتناب) خواهد آمد و دیگر آثار وضعی را در پی ندارد، اما مرتکب هر دو طرف، هم حکم طلبی را در پی دارد و هم وضعی.

چهارم -

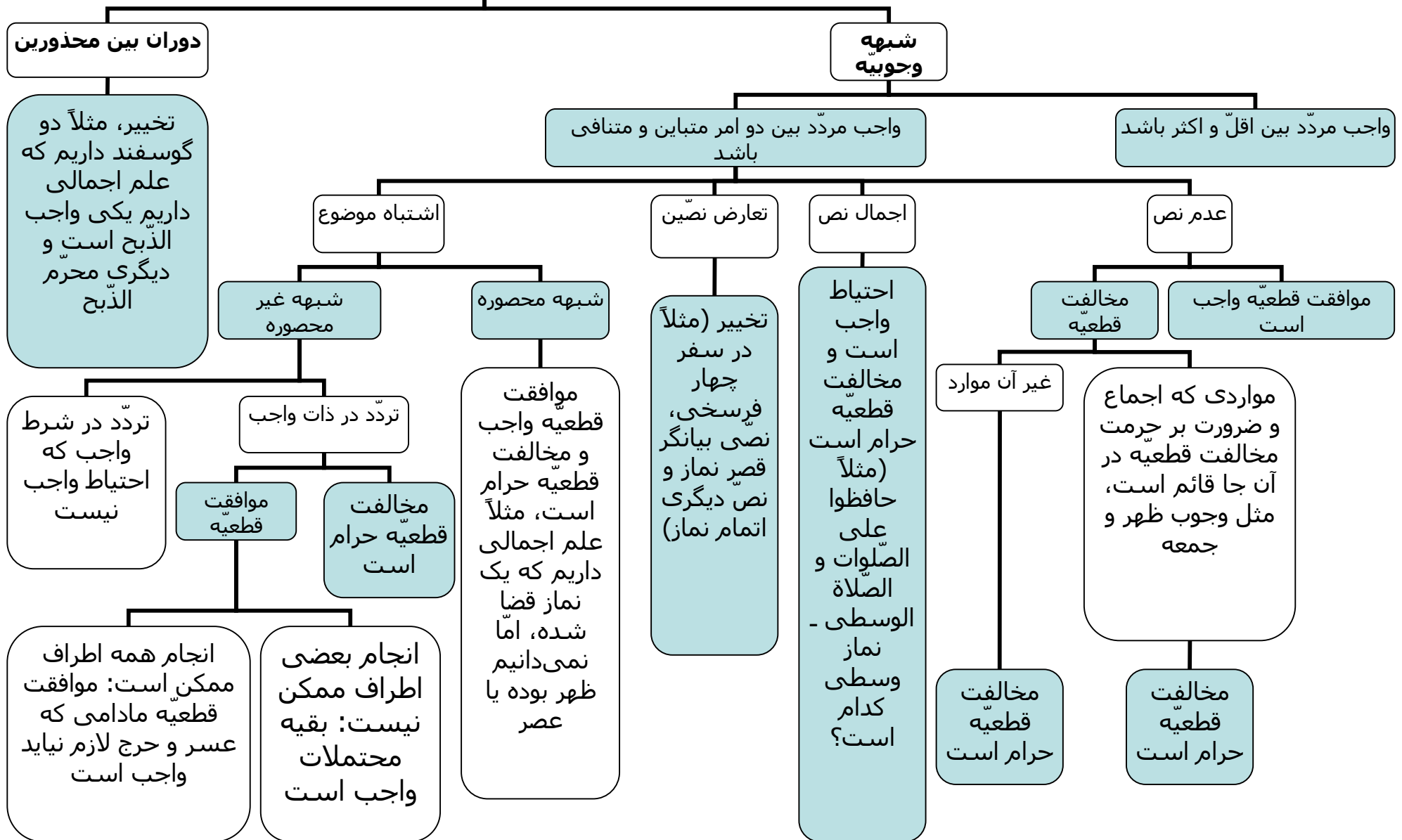


چهارم\* - ظاهر کلام اصحاب این است که قطع نظر از علم اجمالی، بین حالتی که اصل در هر کدام از مشتبهین فی نفسه حل باشد یا حرمت، تفاوتی وجود ندارد.

پنجم - حکم مشتبه به یکی از مشتبهین، حکم همان مشتبهین است.

ششم - در شبهات محصوره تدریجیه الوجود تحریمیه در شک در مکلف به در صورت علم اجمالی و تنجّز تکلیف، احتیاط واجب و مخالفت قطعیه حرام است و در صورت عدم فعلیت تکلیف، احتیاط واجب نیست و مخالفت قطعیه جایز است.

## شک در مکلف به

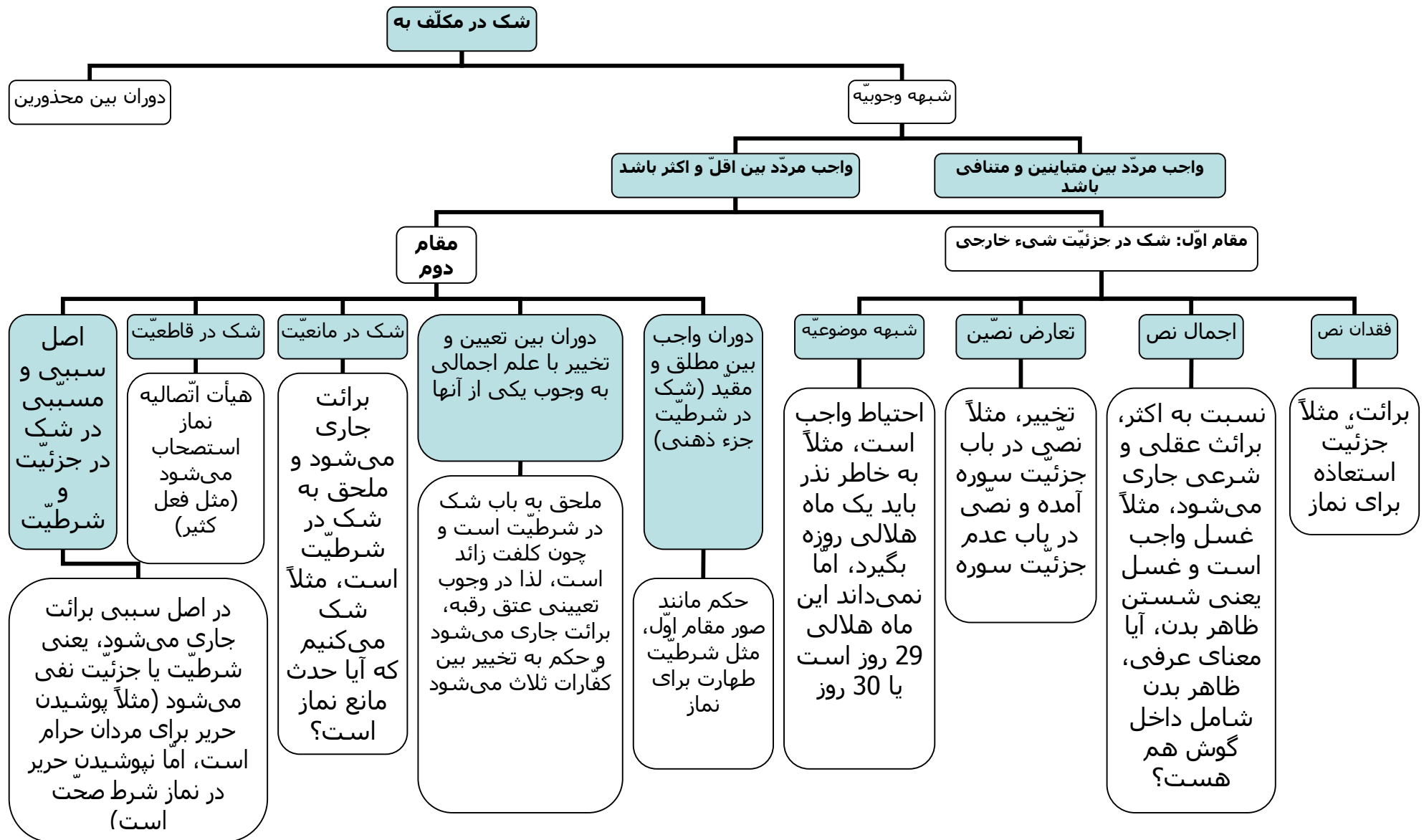


### **تنبیهات شبهه غیر محصوره**

- در شبهه غیر محصوره، مخالفت قطعیه حرام است.
- هر گاه اطراف شبهه به قدری زیاد باشد که احتمال عقاب عقلانی نباشد، شبهه در آن غیر محصوره خواهد بود و اگر احتمال آن عقلایی باشد، محصوره محسوب می‌گردد و در صورت شک اقوی، رجوع به اصالة الاحتیاط است (و مع ذلک فلم یحصل للنفس وثوق بشیء منها).
- ملاک سنجش محصوره از غیر محصوره، تعداد کل افراد نیست، بلکه تعداد افراد حرام موجود در شبهه را به عنوان یک واحد حساب کرده، سپس آن را با مجموع می‌سنجیم.

### **تنبیهات شبهه وجوبیه متباینین**

- در مورد شرط واجب، در صورت بقاء شرطیت باید احتیاط کرد (شروطی مثل استقبال قبله و ستر از شروط واقعیّه است و احتیاط واجب است).
- کسی که به چهار طرف نماز می‌خواند، این چنین نیت می‌کند: نماز ظهر را احتیاطاً به این سمت می‌خوانم قربةً إلى الله.
- در صورتی که نماز را به چهار طرف می‌خواند، وجوب هر کدام از آن نمازها، عقلی و ارشادی است.
- هنگام کشف مطابقت «مأتی به» به واقع، همان مقدار کافی است و وجوب بقیه ساقط است.
- موقعیت علم و ظن تفصیلی در موارد علم اجمالی به شکل زیر است:
- 1 - در حالت عدم تمکن از تحصیل علم یا ظن معتبر تفصیلی: عمل به احتیاط
- 2 - در حالت تمکن از تحصیل علم یا ظن معتبر تفصیلی: الف) اگر احتیاط مستلزم تکرار باشد: باید علم و ظن معتبر تفصیلی را تحصیل کند.
- ب) اگر احتیاط مستلزم تکرار نباشد: تحصیل علم و ظن تفصیلی معتبر واجب نیست.
- بهترین نحوه احتیاط در واجبین مترتبین بدین صورت است که ابتدا نماز ظهر (طرف مقدم) را به جمیع احتمالات بخواند و سپس نماز عصر را و هنگام وقت مختص به هر نماز، در هر احتمالی ابتدا یک نماز ظهر و یک نماز عصر می‌خوانیم.
- در موارد علم اجمالی، به طور قهری قصد تعیین ساقط است.



## تنبيهات شك در اقل و اكثر

- تعريف ركن: جزئى كه ترك سهوى آن مبطل نماز است.

- ترك سهوى هر جزئى على القاعدة مبطل است الا ما خرج بالدليل.

- زياد كردن سهوى جزئى كه نمى دانيم شارع نسبت به زيادى آن چه نظرى دارد، مبطل نيست.

- زياد كردن سهوى ركنى كه مى دانيم شارع دستور به عدم زيادى آن را داده (مثل ركوع) مبطل است.

- جزئيت و شرطيت اجزاء و شرايط، مقيد به صورت تمكّن مكلف از انجام آن است، مثل مسح پوست پا (مقتضاي قاعده).

- در دوران امر بين ترك جزء و ترك شرط، تحصيل جزء مقدم است، مثلاً دوران بين اين كه با وضو نماز بخواند و يك ركعت نماز خارج از وقت نشود و بدون وضو (تيمم) نماز بخواند و در وقت خوانده شود.

- در دوران بين جزئيت و شرطيت يك شىء، هنگام ترتيب اثر بايد حكم موافق اصل حكمى را مترتب كنيم.

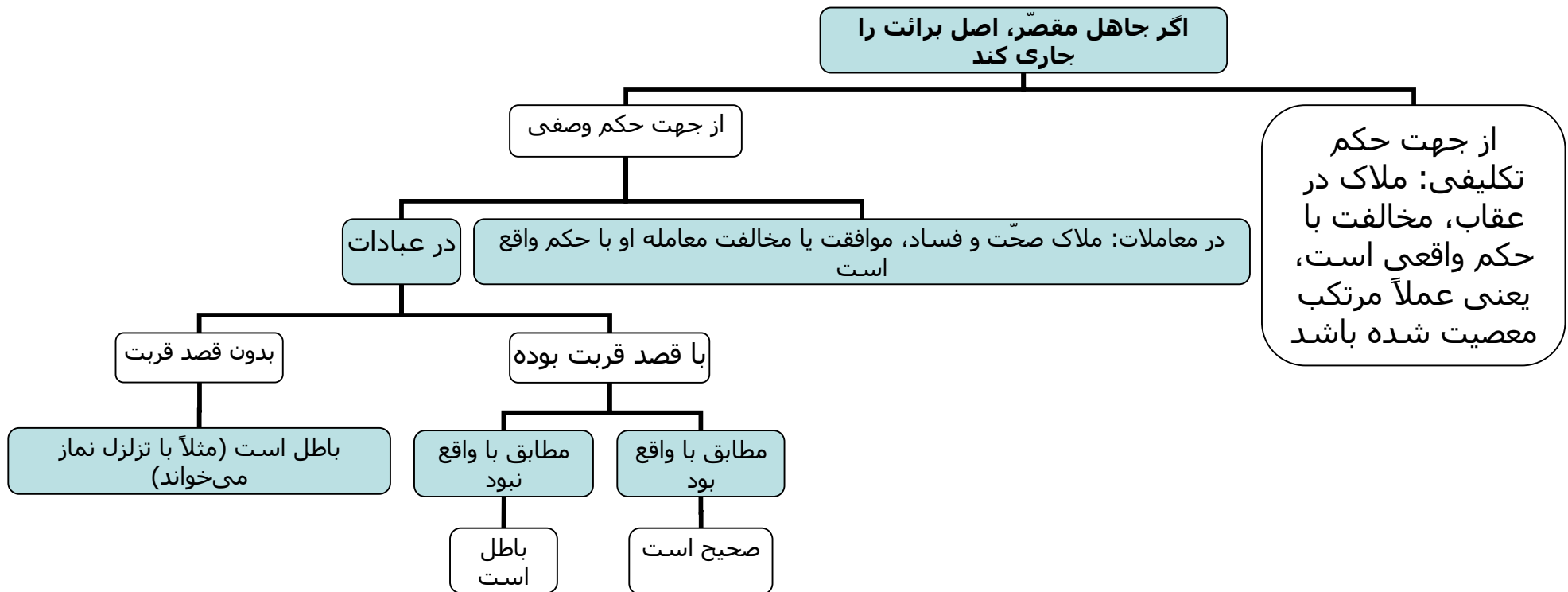
## خاتمه

- **شرایط اجرای اصل احتیاط:** باید بررسی کرد که عمل مورد نظر واقعاً مصداق احتیاط باشد، به گونه‌ای که یقین به امتثال حکم الله واقعی حاصل شود (در عبادات اقوی کفایت احتمال وجه است).

## شرایط اجرای اصل برائت:

- اجرای اصل برائت در شبهات موضوعیه شرطی ندارد.

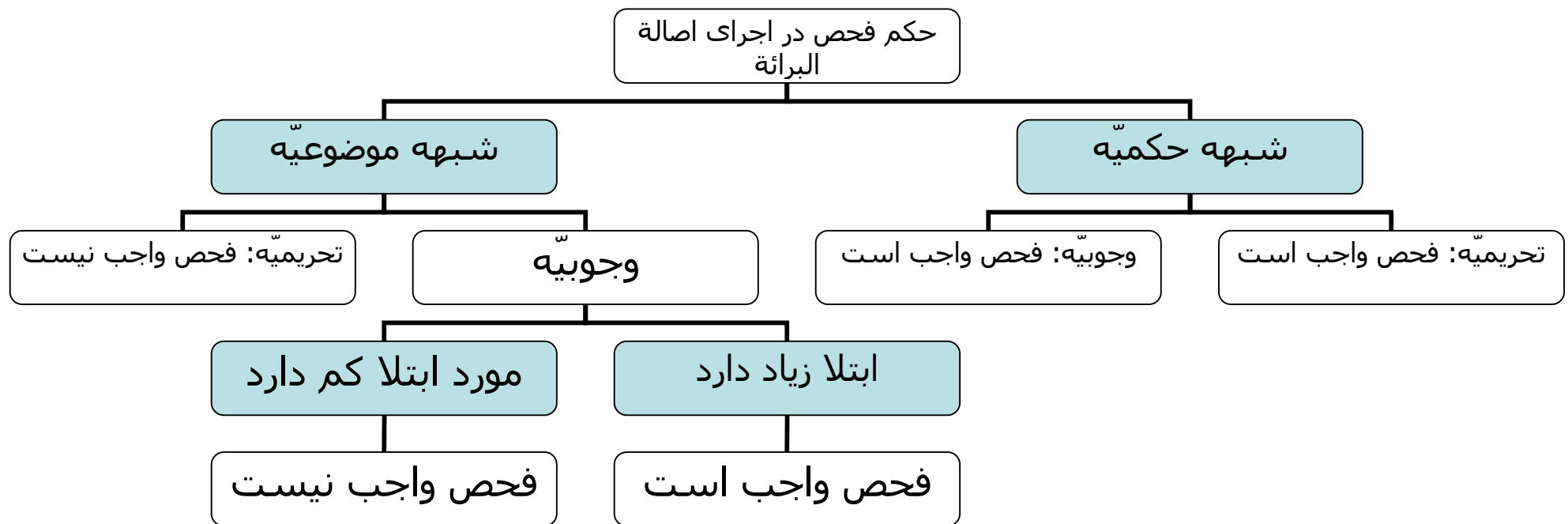
- اجرای اصل برائت در شبهات حکمیه، مشروط به این است که ابتدا از دلیل اجتهادی فحص و جستجو کند (یعنی جاهل مقصر نباشد).



## چند مطلب

- منظور از حکم واقعی، حکم واقعی اولی است، یعنی همان حکم من عند الله که در لوح محفوظ قرار دارد، نه احکامی که از طریق ادله اجتهادی به دست می‌آید.

- تنها در مسأله قصر و اتمام و مسأله جهر و اخفات، جهل مطلقاً عذر محسوب می‌شود و عبادت جاهل مقصر از جهت وضعی صحیح است، اما عقاب دارد.



- باید تا جایی فحص شود که اطمینان به عدم دلیل و یأس از وجود آن حاصل شود.

## قاعده لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام

- سند این قاعده مشکلی ندارد.
- در مورد معنی لا ضرار، اقوی این است که لا ضرار تأکید است.
- دو احتمال برای مدلول روایت وجود دارد:
- \* اخبار از این که خداوند در اسلام حکمی را که به ضرر مسلمانی باشد، تشریع نفرموده.

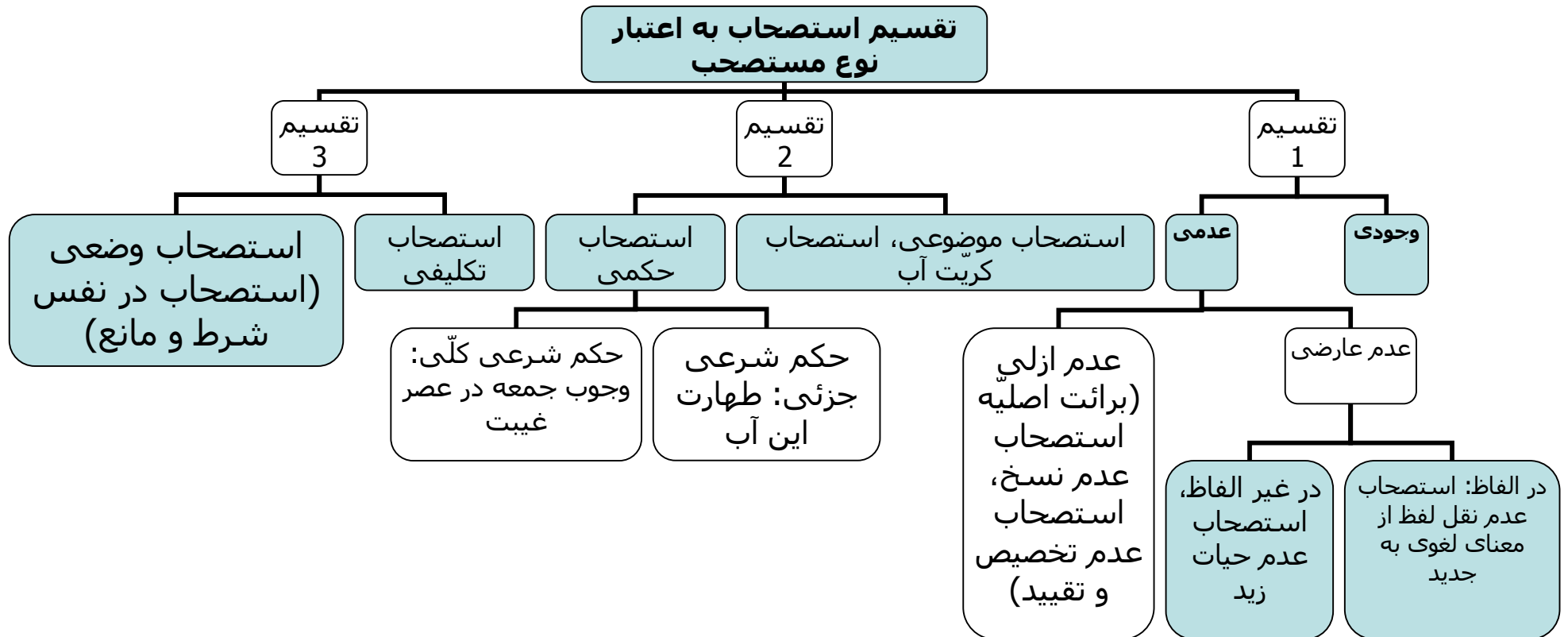
\* انشاء نهی از آوردن ضرر بر مسلمان.

- در احکامی (اعمّ از وضعی و تکلیفی) که به نحو مطلق برای اشیاء و موضوعات جعل شده‌اند، اگر اطلاق و عموم آن احکام، در مواردی به ضرر مسلمانی منجر شود، قاعده لا ضرر در آن جا جاری شده و جلوی اطلاق حکم شرعی را در آن مورد می‌گیرد (مثل وضوی ضرری).
- رابطه ادله عناوین اولیه و ثانویه، عموم و خصوص من وجه می‌باشد که در محلّ اجتماع تعارض می‌کنند و ادله عناوین ثانویه بر ادله عناوین اولیه حکومت دارند.
- قاعده لا ضرر، ضرر شخصی را نفی می‌کند.

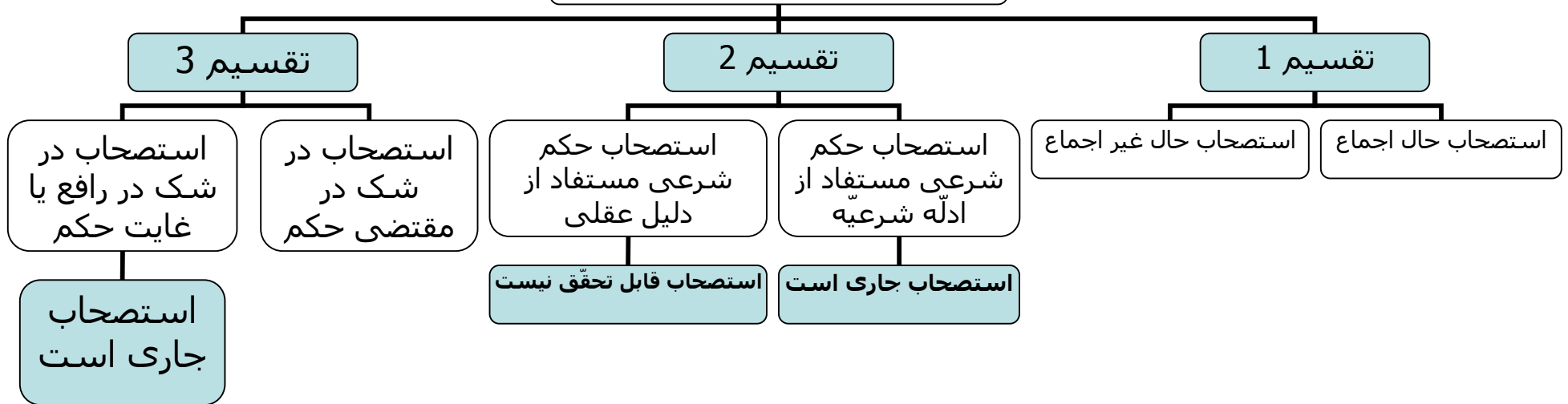
## استصحاب

- استصحاب عبارت است از ابقاء ما کان، یعنی حکم کردن به بقای چیزی که سابقاً بوده.
- استصحاب یک اصل عملی است که اعتبار شرعی و حجیت استصحاب از اخبار «لا تنقض الیقین بالشک» استفاده می‌شود، پس یک اصل عملی تعبدی است.
- استصحاب در شبهات حکمیه یک مسأله اصولی است و در شبهات موضوعیه یک مسأله فقهی و فرعی است.
- هر گاه علم به زوال حالت سابقه نداریم، استصحاب جاری می‌کنیم.
- ارکان استصحاب: 1 - وجود مستصحاب در زمان سابق. 2 - شک در بقاء و وجود آن در زمان لاحق (شک باید فعلی باشد).

## نمودار کلی تقسیم‌های استصحاب

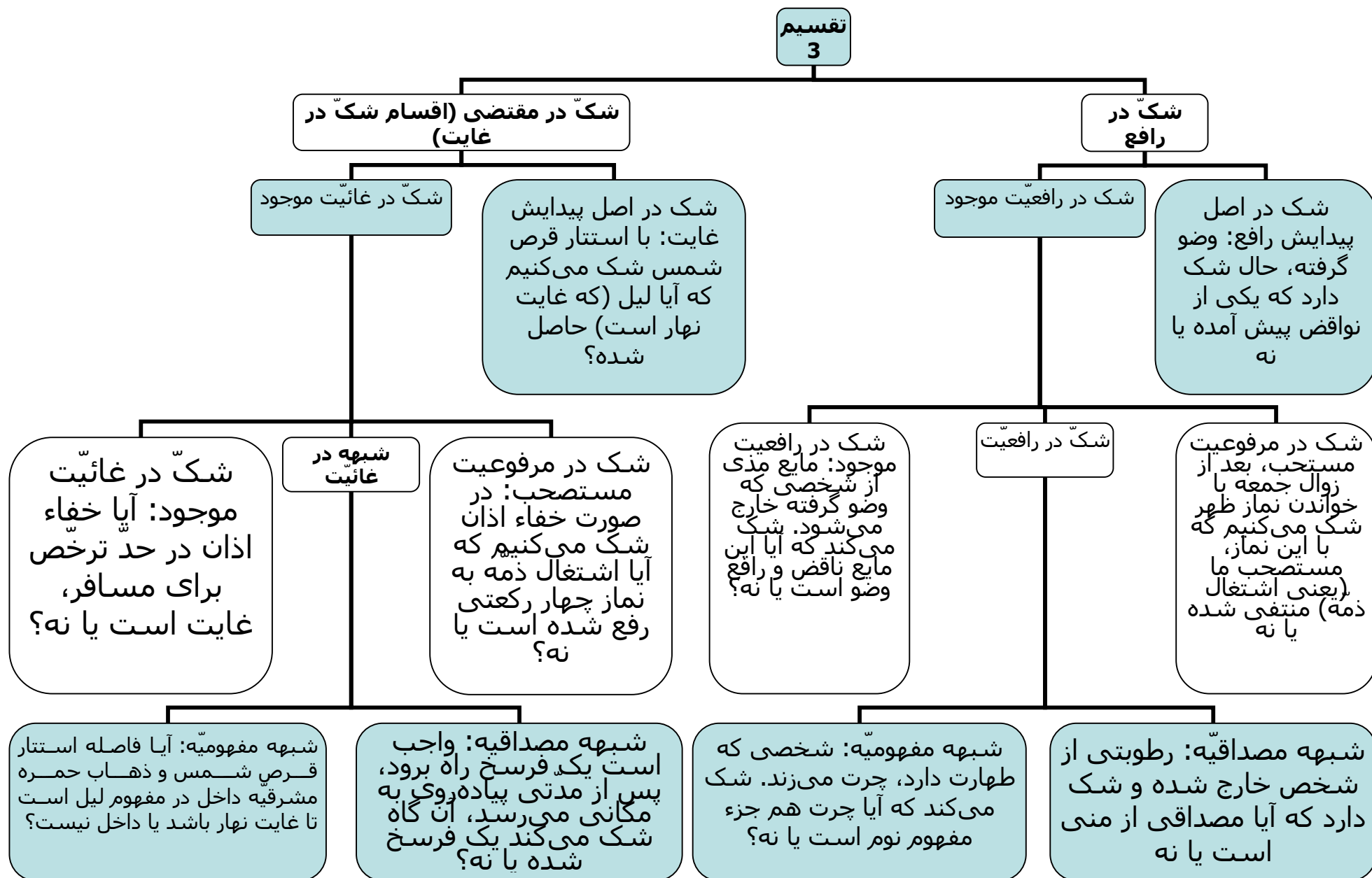


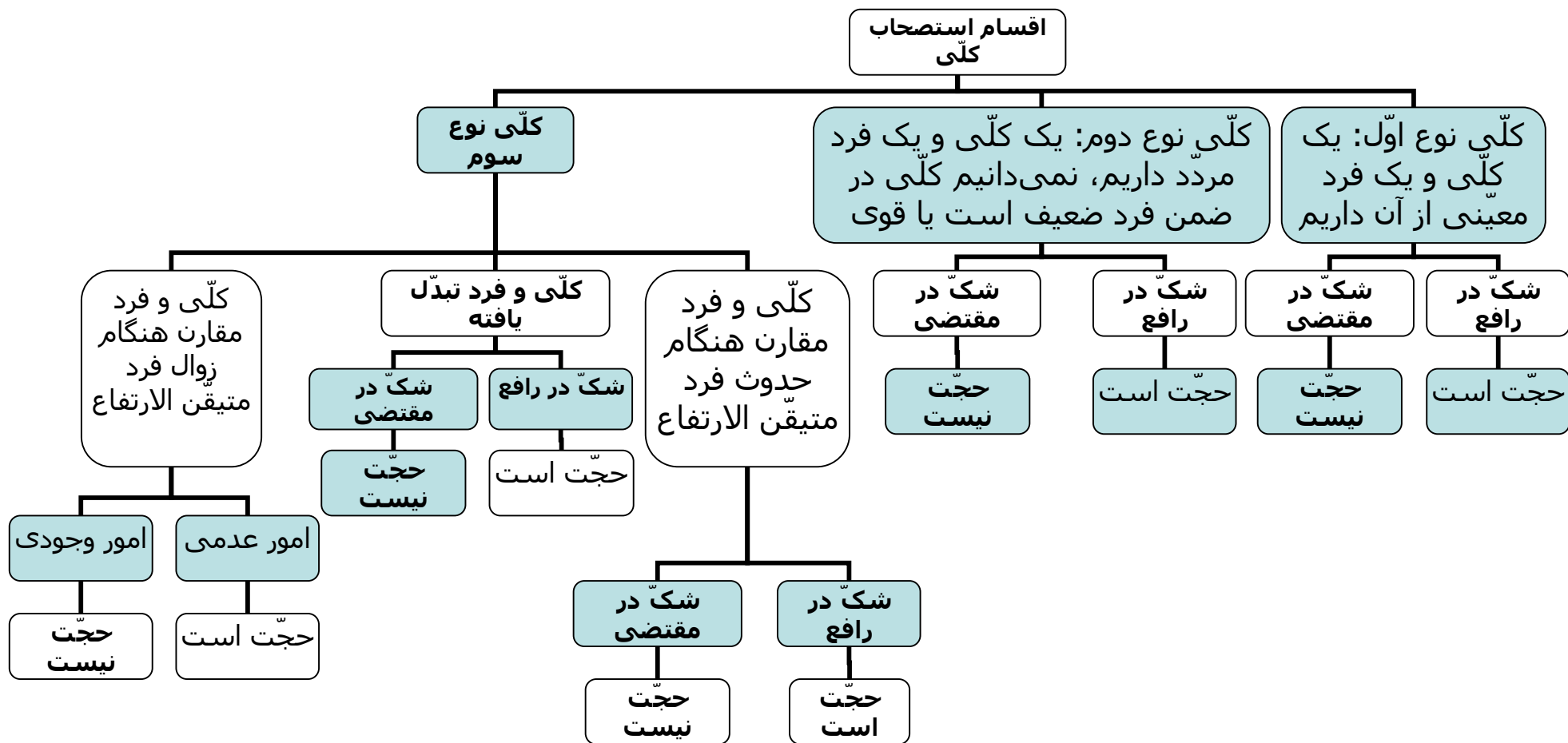
تقسیم استصحاب به اعتبار نوع دلیل اثبات کننده



تقسیم استصحاب به اعتبار شک در بقاء







استصحاب در امور متغیر (غیر ثابت)

استصحاب مقیدات به زمان (امور ثابتی که مقید به زمان هستند، مثل روزه روز پنجشنبه)

استصحاب در زمانیّات: مثل سخن گفتن، جریان خون حیض

استصحاب در نفس زمان: مثل استصحاب لیل و نهار و رمضان

حجت است

حجت است

اگر رابطه شیء با زمان، رابطه ظریف و مظلوف باشد (نه قید و مقید) می‌توان استصحاب جاری کرد و در غیر این صورت، نه

## تنبیهات استصحاب

- در مستقلّات عقلیه (مثلاً ظلم قبیح است) استصحاب جاری نمی‌شود.
- استصحاب تعلیقی یا تقدیری، حجت است، مثلاً عصیر العنب ینجس اذا غلی آب کشمش هم همین طور.
- استصحاب احکام شرایع سابقه حجت است، اگرچه فایده عملی و کاربردی در فقه ندارد.
- استصحاب در اصل مثبت (کلیه اصول عملیه‌ای که آثار غیر شرعی و یا آثار شرعی مع الواسطه را اثبات می‌کنند) جاری نمی‌شود، مثلاً در مورد حیات زید، نمو زید استصحاب نمی‌شود.
- در برخی صور اصلی تأخر حادث، استصحاب جاری می‌شود.
- هنگام شک در صحت عبادات، تنها در صورت شک در وجود قاطع، استصحاب جاری می‌شود، اما هنگام شک در وجود مانع یا شک در ترک شرط یا شک در ترک جزء، استصحاب جاری نمی‌شود.
- در باب دوران امر بین تمسک به عموم عام و یا استصحاب حکم مخصص: در عموم ازمانی افرادی به عموم عام و در عموم ازمانی استمراری به استصحاب حکم خاص تمسک می‌شود.
- در مورد وجوب اجزاء غیر متعذر از یک مرکب، با وجود یکی از سه توجیه (1 - تصرف در مستصحب و وجوب. 2 - مسامحه در موضوع مستصحب. 3 - وجود الوجوب دانستن مستصحب) استصحاب جاری می‌شود.

- مراد از شکّی که در ارکان استصحاب معتبر است، معنای اعمّ آن است.

### **خاتمه: شرایط سه‌گانه استصحاب**

- شرایط عمل به استصحاب، همان شرایط تحقق استصحاب است که عبارتند از:

- 1 - بقای موضوع مستصحب: میزان در تشخیص موضوعات احکام، عرف است.
- 2 - شکّ در بقای متیقّن، نه در حدوث آن (در شکّ ساری یا همان قاعدة الیقین استصحاب جاری نمی‌شود).
- 3 - شکّ در بقای متیقّن و ارتفاع آن: امارات ظنیّه بر استصحاب حکومت دارند و اماره علمیه (خبر متواتر) وارد بر استصحاب است.

### **تقديم استصحاب بر اصول**

#### **مقام اول: استصحاب و قاعده ید و اصاله الصّحّة**

- استصحاب با امثال قاعده ید معارضه ندارد. قاعده ید اماره ظنیّه است و قاعده ید بر اصل استصحاب مقدّم است.
- اصاله الصّحّة در فعل خود (قاعده تجاوز و فراغ) اماره است و اگر استصحاب را اماره بدانیم، اصاله الصّحّة مقدم است.
- محلّ شرعی، عرفی و عقلی در قاعده تجاوز معتبر است و محلّ عادی اعتبار ندارد.
- در باب تجاوز محلّ و خصوصیت محلّ بعدی، ملاک ورود به یک غیر اصلی و جزء غیر رکنی است.
- قاعده تجاوز در جمیع شقوق شکّ در صحت عمل جاری می‌شود.
- قاعده تجاوز در صورت شکّ در نحوه عمل جاری است و در شکّ در این که آیا نحوه عملی که انجام داده است مبطل عمل است یا نه، جاری نیست.
- اصاله الصّحّة در فعل غیر حجت شرعی است.
- اصاله الصّحّة در هر یک از شکّ در مقتضی صحت و شکّ در مانع صحت جاری است.
- مراد، صحت واقعی است.
- با اجرای اصاله الصّحّة فی فعل المسلم، تنها اثر شرعی آن فعل اثبات می‌گردد، نه لوازم عادی، عقلی و مقارنات اتفاقیه.
- اصاله الصّحّة بر استصحابات حکمیّه مقدّم است.
- اصاله الصّحّة در جمیع صور تعارض، حاکم بر استصحاب است.

- اصلی در حمل خبر مسلمان بر صدق نداریم.

### **مقام دوم: تعارض استصحاب با قرعه**

- قرعه تنها در شبهات موضوعیه جاری است.

- استصحاب از باب تخصیص بر قرعه مقدم است.

- قرعه وارد بر اصالۃ التخییر است.

- قرعه بر برائت عقلیه و احتیاط عقلی وارد است.

- قرعه بر برائت شرعی و احتیاط شرعی حکومت دارد.

### **مقام سوم: تعارض استصحاب و سایر اصول اربعه با یکدیگر**

- استصحاب در تمام شبهات موضوعیه و حکمیه بر اصل برائت شرعی و عقلی مقدم است.

- استصحاب وارد بر احتیاط عقلی و حاکم بر احتیاط شرعی و استصحاب اشتغال ذمه است.

- استصحاب وارد بر اصالۃ التخییر است.

- استصحاب سببی از باب حکومت، بر استصحاب مسببی مقدم است.

### **خاتمه: تعادل و ترجیح**

#### **(وظیفه مجتهد هنگام تعادل دو دلیل شرعی و راه‌های ترجیح یکی بر دیگری)**

- تعارض عبارت است از تنافی و تمانع دو دلیل به خاطر مدلول و معانی آن دو.

- مرجع در تعارض بینات، قرعه است.

#### **مقام اول: خبرین متکافئین**

- اگر هیچ کدام از دو دلیل شرعی بر دیگری ترجیح نداشته باشد، قاعده اولیه توقف است و سپس تساقط و تخییر عقلی، اما مقتضای اخبار علاجیه این است که ابتدا از مرجحات، فحص تام نمود، سپس تخییر است و تخییر استمراری جایز نیست.

#### **مقام دوم: ترجیح**

- ترجیح یعنی تقدیم یکی از متعارضین در عمل، به موجب مزیتی که بر دیگری دارد.

- مرجحات اختیار دارند و ترجیح واجب است.

- اکتفاء به مرجحات منصوص جایز نیست و تعدی به غیر منصوص لازم است.

- مرجّحات منصوصه عبارتند از:

- 1 - موافقت کتاب. 2 - موافقت سنت. 3 - شهرت روایی. 4 - اعدل بودن راوی. 5 - افقه بودن راوی. 6 - اصدق بودن راوی. 7 - اورع بودن راوی.
- 8 - اوثق بودن راوی. 9 - مخالفت عامّه. 10 - موافقت با احتیاط.

- مرجّحات خارجی مشکوک الاعتبار (مثل شهرت، اجمال منقول، عمل افقه، مخالفت عامّه) نیز مرجّح محسوب می‌شوند. قیاس و استحسان مرجّح نیستند.

- ترجیح و جمع دلّالی مقدم بر همه اقسام ترجیح است.

- هنگام تعارض اظهر و ظاهر، خبر ظاهر را بر اظهر حمل می‌کنیم.

- در تعارض نص و ظاهر و اظهر، جمع دلّالی اعمال می‌شود.

- هنگام تعارض خبر ناقل (خبری که دالّ بر وجوب یا حرمت باشد) و خبر مقررّ (خبری که مفادّ آن موافق اصل و حکم عقل باشد، مثل اباحه و جواز) هیچ کدام بر دیگری ترجیح ندارند و جای تخییر است.

- در باب خبر ظنی اگر امر دائر مدار این قرار گرفت که یا سندش را طرح کنیم یا حملش کنیم یا تأویلش کنیم، به نظر می‌رسد که تأویل را انتخاب کنیم.

- در تعارض ظاهر و ظاهر، ابتدا قانون ترجیح، سپس توقّف و رجوع به اصل عملی موافق احدهما و در نهایت تخییر اعمال می‌شود.

هنگام تعارض: اول مرجّحات (ابتدا جمع دلّالی عرفی ← بعد مرجّح خارجی معاضد ← بعد مرجّح مضمون داخلی و خارجی ← بعد مرجّح صدور یا سندی ← بعد مرجّح جهتی) ← بعد توقّف و رجوع به اصل عملی موافق احدهما ← بعد تخییر

پایان